روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۰ • ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۴ نوامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۳۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۵
اذان صبح فردا ۵:۰۵ • طلوع آفتاب ۶:۳۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

شش اصله درخت در بلوار کشاورز تهران روبه روی ملکی که قرار است تخریب شود خشک شده است، عکس: امیرحسین جامه بزرگ، آنا

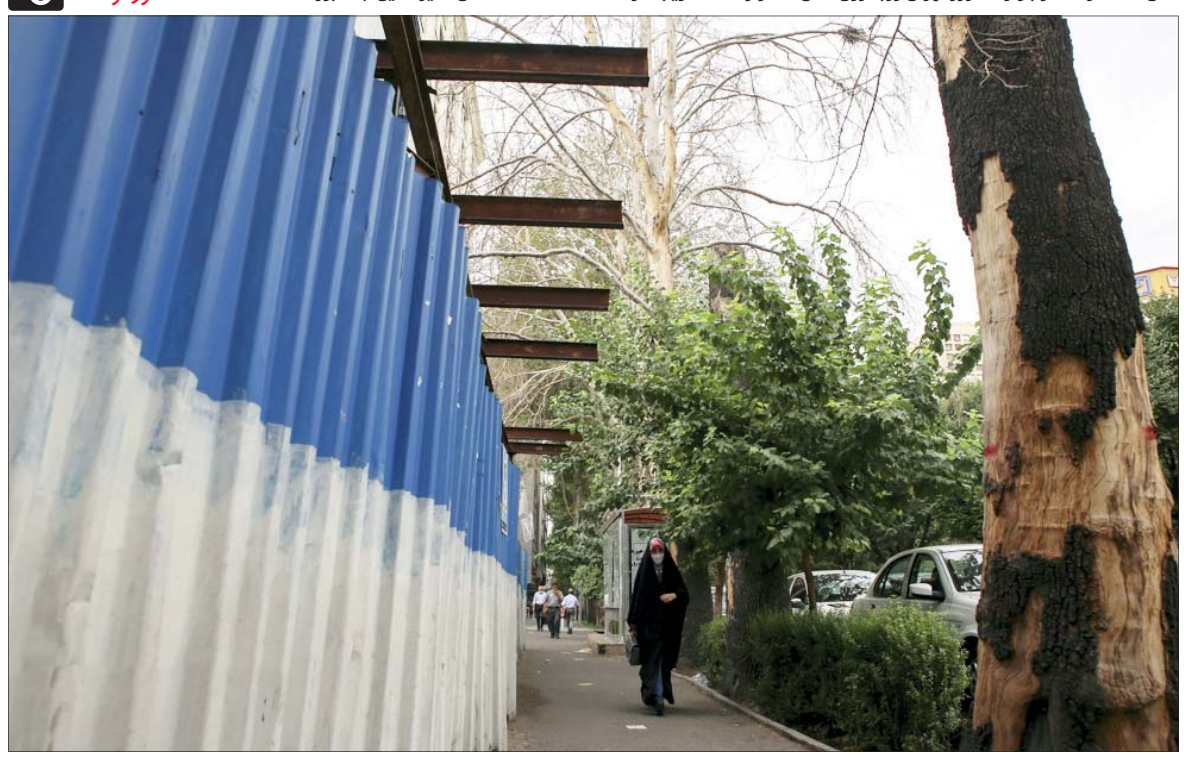

اتفاق

اثبات خیانت، اشتباه بزرگ حقوقی

خبرآنلاین - امید سلیمی‌بنی: واقعیت این است که هرگز نمی‌توان مهریه‌ای را که در عقد نکاح بر عهده زوج قرار گرفته است، از گرده او برداشت. این را باید در نظر داشت درصورتی‌که عقد نکاح دارای شرایط درست جاری‌شدن باشد و عقد صحیح واقع شده و مهریه در آن تعیین شده باشد، عقد درست و سالم است و یکی از تبعات عقد درست و سالم نکاح، آن است که طرفین ملزم به اثرات و تبعات آن هستند. از جمله این اثرات در عقد نکاح دائم در صورت تعیین مهریه، التزام زوج به ادای مهر به زوجه است و مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». البته باید در نظر داشت درصورتی‌که مهر عین معین باشد، بلافاصله مالکیت مهر به زن منتقل می‌شود و در مواردی که مهر کلی فی ذمه یا حقی بر ذمه مرد است، مانند آنکه سکه یا پول تعیین شده باشد، زن به محض وقوع عقد، طلبکار آن می‌شود و می‌تواند هر زمان که بخواهد برای مطالبه آن به شوهر رجوع کند. فقط یک نکته کوچک می‌ماند که با توجه به ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، مالکیت زن نسبت به نصف مشاع مهر، پیش از وقوع رابطه زناشویی، متزلزل است و با تحقق رابطه مستقر می‌شود. باوجوداین برخی از راهنمایی‌های اشتباه به مردانی که به دنبال ندادن مهر همسر خود هستند، می‌گوید تو باید اثبات کنی که همسرت مرتکب خیانت شده است تا بتوانی مهر، نفقه و سایر حقوق مالی او را نپردازی. در ابتدا باید در نظر داشت که این سخن از بنیان اشتباه است.

تحلیل

تتلو و مسئله دو زیست جهان موازی

حسین ایمانی‌جاجرمی
جامعه‌شناس

در «صنعت سرگرمی» دنیای امروز، تعداد هنرمندانی که سعی دارند عجیب‌وغریب جلوه کنند، کم نیستند. هزاران خواننده هستند که به انواع و اقسام شیوه‌ها، سروشکل و لباس عوض کرده و اداهای متفاوت درمی‌آورند؛ اما همه اینها یک هدف را بیشتر دنبال نمی‌کنند: جلب توجه، جذب مخاطب و کسب درآمد. پس عجیب‌بودنی در کار نیست، کاملا هم معمولی بوده و از قواعد بازی در عرصه‌ای پررقابت است. در سال هزاران کنسرت از این قماش برگزار و بدون هیچ اتفاقی تمام می‌شود و می‌رود پی کارش. تمام شگفتی‌اش در همان دو، سه ساعت زمان برگزاری است به مدد فناوری‌های نور، صدا و دیگر چیزها. شبکه‌های اجتماعی هم مثل اینستاگرام و فیس‌بوک به کمک آمده‌اند برای راه‌اندازی جریان فَن و فالوور و نمایش قربان و صدقه میان محبوب و لشکرهای میلیونی کم‌سن‌وسال طرفداران مجازی. اینها حلقه‌هایی از همان صنعت پول‌ساز سرگرمی‌اند در کنار کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، سایت‌های شرط‌بندی، کالاها و فروشگاه‌ها.

حال چرا خواننده‌ای مثل تتلو در ایران تبدیل به یک مسئله سیاسی-اجتماعی شده و توجه‌ها را جلب می‌کند، علت را در خواننده نباید جست‌وجو کرد، همان‌طور که ذکر شد او از زمره عادی‌ترین‌هاست، مسئله در بافت اجتماعی-سیاسی است که او در آن رفتار می‌کند. باید به دنبال شناخت و فهم تغییراتی بود که در جامعه در سال‌های اخیر روی داده است و کشور را با وجود همه سخت‌گیری‌های ایدئولوژیک غرب‌ستیزانه، بدل به بخشی از جریان مصرف و فراغت جهانی کرده است با همان سازوکارهایی که در بالا به آنها اشاره شد. به احتمال زیاد، مسئله در همین تضادی هست که در سیاست‌های رسمی و واقعیت‌های اجتماعی وجود دارد.

تغییرات روی‌داده در دهه‌های گذشته مانند سرعت رشد شهرنشینی، بسط طبقه متوسط، افزایش زنان تحصیل‌کرده و تغییرات ارزش‌های اجتماعی از جمع‌گرایی به فردگرایی، نشان از جامعه‌ای دارد که با وجود همه موانع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جاده مدرن‌شدن با همه نکات مثبت و منفی آن به شتاب در حال جلورفتن است. نسل امروز با توجه به مهاجرت بالای جوانان ایرانی به سراسر دنیا، به‌ویژه آمریکای شمالی و ارتباط میان آنهایی که رفته‌اند و آنهایی که مانده‌اند، به‌شدت جهانی نیز هست. اینترنتی‌شدن جامعه نیز تحول بزرگ دیگری است که همچون یک شبکه عصبی جدید، میلیون‌ها آدم و اتفاق را در پهنه ایران و جهان به هم وصل می‌کند. آمار سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی از روند نفوذ اینترنت در کشور، حاکی از ضریب نفوذ ۹۴درصدی است. به عبارت دیگر از هر صد نفر در کشور، ۹۴ نفر به شبکه اینترنت وصل هستند.

با توجه به نکاتی که طرح شد، مسئله تتلو را باید در پرتو سیاست‌های فرهنگی رسمی و میزان انطباق آنها با واقعیت‌های اجتماعی درک کرد؛ سیاست‌هایی که در پرتو جهانی‌شدن دچار محدودیت نیز هستند. هنرمندانی که به هر دلیل امکان کار و فعالیت در داخل کشور از آنها سلب می‌شود، بساط هنری خود را بدون درنگ و با کمک صنعت سرگرمی جهانی‌شده در کشورهای همسایه‌ای همچون ارمنستان، امارات متحده عربی و ترکیه پهن می‌کنند و این بار فارغ از همه ملاحظات رسمی و اجتماعی که زیست در کشور مادر رعایت آنها را الزامی می‌کرد، تا ته خط را می‌روند و همه مرزهای هنجاری و ارزشی را جابه‌جا می‌کنند. شاید تصورش سخت باشد، ولی گویی بسیاری از ایرانی‌ها در دو زیست جهان موازی زندگی می‌کنند؛ یکی رسمی با الزامات و محدودیت‌های خاص خود و دیگری غیررسمی، جدید و به میزان زیادی فارغ از هر ملاحظه و همچنان در حال شکل‌گیری. بهترین سناریو آن است که این دو جهان درهم‌تنیده باشند تا قواعد پنهان اجتماع که زندگی را تنظیم می‌کند و بر فردگرایی افراطی لگام می‌زند، کار خود را انجام دهند؛ قواعدی که رسمی نیستند و عموما نانوشته‌اند، اما با تشکیل اجتماع، کار خود را در تنظیم روابط و مهارزدن بر کنشگران آغاز می‌کنند. در هر حال، مسئله مهمی که باید برای آن پاسخی یافت، ظرفیت سیاست‌های فرهنگی برای درک و هضم تغییرات بنیادین اجتماعی است که در جامعه روی داده است. هرچه شکاف میان آن دو زیست جهان اشاره‌شده بیشتر شود، زمینه برای ظهور انواع تتلوها و امواج تتلیسم منفعت‌طلب، مساعدتر می‌شود.

تماشاگر - ۶

مرور جهانی تازه

رضا صدیق

اگر حالا که عمر دائم‌الهجرت‌بودنم بخش مهمی از طول حیات زندگی‌ام را تشکیل داده، بپرسی دلیل سفرت چه بود و دنبال چه چنینی، پاسخی متفاوت از روزهای شروع هجرت خواهم گفت. زیرا دلیل شروع انگار بهانه بود تا چنین هجرتی را برای زندگی‌ام طی کنم. بیجا نیست مضمون آن جمله آدرنو که وقتی یک بار از خانه‌ات هجرت کنی، حتی اگر باز به آن خانه بیایی، کماکان مهاجری زیرا هجرت مستتر و پیوسته خواهد ماند.

چرا روی این زمین قراری نیست؟ اگر دنبال آرامش و قراری، اینجا جای قرار نیست. ذات این دنیا چنین است که قرارش سراب و به دنبال قرار بودنش دچارشدن به سراب دارد و خود را به آن راه زدن. پس در این بی‌قراری، چگونه باید قرار پیدا کرد مگر با بی‌قرارشدن؟ آن زمان که این بی‌قراری را فهمیدی، بمان، نگاهش کن و نترس. به خویش رجوع کن زیرا او راه را می‌داند و برای چنین وضعی آماده است. از خود بگذر و به خویشِ تذکردهنده‌ات گوش بده. هراس نکن، اینجا چیزی قرار ندارد و به دنبال در بی‌قراری باید بگردی. این است دنیا با همه زیبایی‌ها و جلوه‌هایش. وقتی بی‌قرار شدی می‌توانی این جلوه‌های مقطع قرارهای در بی‌قراری را تماشا کنی. آن زمان است که قرار می‌گیری. قراری که مسیر بی‌قراری را برایت هویدا می‌کند.

حالا در هجرت‌های مدام، دنبال همین قرارهایم. وقتی با واقعیت بی‌قراری این دنیا آشنا شدم، برای اینکه در ذهن خود تن به قرارهای کاذبش ندهم، طریقی بی‌قرارتر ساختم. ساختم؟ نمی‌دانم من ساختم یا همان قرار در بی‌قراری‌ها، اما طی کرده و می‌کنم.

برای همین در سفرنامه‌گفتنم، گویی شخص سوم قصه‌ام و راوی. خاطره‌نویسی نمی‌کنم، یک راوی با آگاهی از مسیر طی‌شده‌ام. حالا یک راوی هستم که اطلاعات اضافه را به آن پیوست می‌کنم و حاشیه‌نویسی‌هایی که حال درونم را از مرور این مسیر طی‌شده تا حال، روایت می‌کند.

وگرنه قصه خاطره‌ها که متکثر است و چه جذابیتی باید داشته باشد؟ از خودم این سؤال را در هنگام نوشتنشان زیاد می‌پرسم. شاید اما دیگر به آن فکر نکنم زیرا خود این روایات، برایم بیشتر کشف و شهود شده و به همین دلیل نیز آن بخش را روایت می‌کنم. برای هر خواننده این خطوط قصه سفر جذاب نخواهد بود مگر روایت این بخش که قابل خواندنش می‌کند. برای همین هم خرده‌روایت‌هایم منقطع است و یک مسیر ثابت را طی نمی‌کند. از این کشور به آن کشور می‌پرد و گریز می‌زند به خاطرات. من نیز در این روایات مخاطبم. شنونده مرور دوباره مسیری از صفر تا امروزم و مکتشف درخشش‌های تازه در گذشته. مسیری که برای نوشتارشان رخ می‌دهد نیز عجیب است. باید جهان این روایت را تماشا کنم. آنچه در حال رخ‌دادن است، در سرم هنگام مرور مسیر نیز خود بخشی از روایات این سفرنامه خواهد بود اما شاید کمی بعدتر که خویش را در میانش پیدا کرده باشم.

روایت

شجاع بودن آسان نیست

گیسو فغفوری

فیلم «پایان‌ناپذیران» با بازی تعدادی از ستاره‌های سینما از جمعه اکران جهانی‌اش آغاز می‌شود و «سلما هایک» این روزها و در ۵۵سالگی یکی از بازیگران این فیلم مارول است؛ اما آنچه گفت‌وگوی او را با گاردین متفاوت کرده، نحوه زندگی اوست و همچنین به‌اشتراک‌گذاشتن تجربیات سخت خبرنگار و این بازیگر درباره هاروی واینستاین، تهیه‌کننده متجاوز هالیوود. وقتی شروع به خواندن این گفت‌وگومی‌کنید، در ابتدا یک گفت‌وگوی سینمایی به نظر می‌آید؛ اما به‌تدریج نکته‌های دیگری مهم می‌شود. سلما هایک برای بسیاری همان بازیگر کوتاه‌قامت مکزیکی است که با بازی در فیلم «فریدا» نامزد جایزه اسکار شد. در این گفت‌وگوی تصویری با خبرنگار گاردین درحالی‌که او از برنامه‌های مدامش در سفر به این گوشه و آن گوشه جهان خبر می‌دهد، اعلام می‌کند هفته دیگر در بلوار هالیوود ستاره‌ای به او اختصاص داده می‌شود و به سبک زندگی‌اش هم اشاره می‌شود. همسرش «هانری پینو» و یکی از صاحبان شرکت مد است که پشت برندهای ایو سن لورن و گوچی و... قرار دارد. ثروت این زوج بیش از ۴۷ میلیارد دلار برآورد شده است؛ اما این ثروت سبب نشد تا هایک بپذیرد تا پشت دیوارهای قلعه خود را مخفی کند و مانند گریس کلی (بازیگر دیگر هالیوود) که شاهزاده موناکو شد، از بازیگری دوری بجوید. هرچند این ثروت به «هایک» چنین امکانی را می‌داد و او گاهی نیز همین‌طور رفتار می‌کند؛ اما می‌گوید: «من هر لباسی بخواهم می‌پوشم و هر کاری بخواهم انجام می‌دهم. بعضی وقت‌ها به خاطر هزینه‌های زیادی دچار مشکل می‌شوم؛ اما این حس را دوست دارم. این من را واقعی نگه می‌دارد». البته نباید فراموش کرد که همین «واقعی» یعنی موجودی بانکی یک ستاره هالیوود! او می‌گوید بازیگری «مثل یک معجزه به نظر می‌رسد». او در همین ماه دو فیلم دارد: خاندان گوچی و پایان‌ناپذیران و البته هایک بدون خواندن فیلم‌نامه بازی در «پایان‌ناپذیران» را پذیرفته است؛ چون هم کارگردان آن «کلود ژوئه» یک زن است و هم کارگردان فیلم «بی‌سرزمینان» بود که سال گذشته بسیار درخشیده بود و درباره این همکاری می‌گوید: «هر ثانیه که با او بودم، از او می‌ترسیدم. فکر کردم، وای، من با یک کارگردان زن چینی کار می‌کنم و این فراتر از رضایت از فیلم است: تماشای زن دیگری که بسیار شجاع، باهوش و بسیار الهام‌بخش است»؛ اما به‌تدریج گفت‌وگوکننده یعنی «هادلی فریمن» او را به موضوع اصلی هدایت می‌کند. «هایک» هنگام صحبت‌کردن از فیلم «فریدا» خوشحال می‌شود؛ اما او را به روزهای تلخ حضور سنگین هاروی واینستاین به‌عنوان تهیه‌کننده می‌برد؛ موضوعی که او کمتر به آن علاقه دارد. در سال ۲۰۱۷، هایک برای نیویورک‌تایمز مقاله‌ای نوشت و توضیح داد که چگونه سال‌ها او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده و مدام نه می‌گفت: «نه نه نه نه نه... و با هر امتناع، خشم ماکیاولیستی هاروی به وجود می‌آمد».

قابل درک است که هایک از بازخوانی مجدد این بخش خاص از زندگی خود چندان هیجان‌زده نیست. از نظر او «خیلی کسل‌کننده و قدیمی است!»؛ اما وقتی خبرنگار گاردین به او می‌گوید واینستاین او را نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، از رفتن به رستوران‌ها و میهمانی‌ها محروم کرده و حتی مقاله‌ای درمورد او منتشر کرده؛ زیرا از چیزهایی که می‌نوشت، خوشش نمی‌آمد، شگفت‌زده می‌شود! فریمن می‌گوید: «حالا می‌خواهم با شما مصاحبه کنم! این مکالمه جالب خواهد شد؛ زیرا اگر دقیق به مقاله من نگاه کنید، خواهید دید که من واقعا روی قلدری [به جای آزار جنسی] تمرکز کردم و فکر می‌کنم زنان [از او] بدتر شدند». هایک می‌گوید «واینستاین تنها مردی نیست که مطمئن است می‌تواند زنان را نابود کند».

فریمن می‌پرسد که آیا او قلدری را به‌عنوان راهی برای مقابله با تعرض قبول دارد؟

هایک می‌گوید: «تا حدی. و من احساس خوبی داشتم [وقتی او من را مورد آزار و اذیت قرار داد]. خب، من [بعد از آن] افسرده بودم؛ اما یک جنبه ظریف درمورد کل ماجرا وجود داشت. وقتی او من را در حین ساخت «فریدا» صدا می‌زد و فریاد می‌زد: «چرا سبیل داری؟ من تو را استخدام نکردم که زشت به نظر بیای!». می‌گفتم: «هیچ وقت به عکس فریدا کالو نگاه کردی؟»».

فریمن شروع به پرسیدن درمورد ادعای او در مقاله هایک می‌کند. این بازیگر تأکید داشت دلیل اینکه واینستاین هرگز به او تعرض نکرد، این بود که با رابرت رودریگز، کوئنتین تارانتینو و جورج کلونی دوست بود؛ اما هایک اضافه می‌کند: «من بسیار قوی بودم».

با این سخن هایک، به نظر می‌رسد او معتقد است کسانی که مورد تجاوز این تهیه‌کننده قرار گرفته‌اند، ضعیف بوده‌اند؛ ولی هایک یک طرفدار حقوق زنان است، پس «فریمن» دوباره از او می‌پرسد و هایک تأکید می‌کند «من فقط نه نگفتم. من نیرومند بودم. او هرگز من را ضعیف ندید. این‌طور نیست که من نمی‌ترسم؛ اما شما ترس من را هرگز نخواهید دید. من می‌توانم در عین آرامش، ترسناک باشم».

هایک می‌گوید واینستاین «اولین یا آخرین کسی» نبود که با او چنین رفتاری داشت و تأکید می‌کند: «نه‌فقط در هالیوود به طور کلی! ما دختریم! ... پس شما یاد می‌گیرید که شجاع باشید. آسان نیست؛ اما باید این کار را انجام دهید».

این سؤالی است که بسیاری پس از ظهور جنبش «من هم» بارها پرسیده‌اند آیا مردانی وجود دارند که زنان را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند و هنوز در هالیوود کار می‌کنند؟

و جواب هایک این است: «من مطمئن هستم - این آزار سیستماتیک بود؛ اما یکی از نقاط قوت من این است که کینه‌ای در خود ندارم و فقط می‌خواهم این روند متوقف شود».

این بخش از گفت‌وگو از آن جهت مورد توجه بود که نشان می‌دهد اتفاقی که چهار سال پیش افتاد، هنوز ادامه دارد و هنوز ستارگان زن هالیوود با تمام قدرت و ثروت نتوانسته‌اند این آزارها را به طور کامل از بین ببرند؛ اما در این زمینه تلاش خود را به هر نحوی ادامه می‌دهند.